

تبریز در سوگ حجت‌الاسلام آل‌هاشم گریست، راز اقبال عمومی به او چه بود؟

محبوبیت بدون مرز



زینب مرزوقی خبرنگار گروه نقد روز

رو به دوربین نگاه می‌کند و می‌گوید: «جایی که دو امام جمعه شهید دارد، تبریز است. شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی و شهید آیت‌الله مدنی. هر دو تاشان هم سید هستند. ان شاء الله که موسی هم به آنها ملحق شود.» در ساعات اولیه انتشار خبر سقوط بالگرد رئیس‌جمهور و همراهان‌شان یعنی وزیر امور خارجه، استاندار آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز؛ فضای مجازی پر بود از روایت‌های کوتاه و بلند از برخورد رحمانی امام جمعه تبریز. یکی از کاربران نوشته بود: «می‌دونید ما با امام جمعه شهرومن خاطره داریم یعنی چی؟ امام جمعه شهر ما اسم همه شاعرهای جوان بوده، بارها با هم سینما رفتیم، توی بازار راه میفته و حال مردم رو می‌پرسه، تئاتر تکه‌های سنگین سرب رو با هم دیدیم، نمایشگاه نقاشی و خط رو زد نمیده، باید برگرده...» یکی از همراهان رئیس‌جمهور در بالگرد، شهید سید محمدعلی آل‌هاشم،

روح‌الله متفکر آزاد، نماینده تبریز: عکسی که معلوم نیست کی منتشر می‌شود

حجت‌الاسلام آل‌هاشم شخصیتی بسیار مردمی بود. درب بیت‌شان و دفتر نمایندگی ولی‌فقیه به روی همه باز بود و محال بود که در صورت مراجعه، با درب بسته مواجه شوید. با مردم، مسئولان دولتی و نماینده‌های مجلس بسیار صمیمی و پدرا نه رفتار می‌کرد. هر وقت نیاز می‌شد، تذکر لازم را به نمایندگان و مسئولان می‌داد. هر وقت نیاز بود که روحیه‌شان را تقویت کند، این کار را انجام می‌داد. در صورت بروز مشکل برای مردم، با تماس با مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس، با آنها مشکل را مطرح می‌کرد. حجت‌الاسلام آل‌هاشم در تعامل میان مردم و مسئولان، بسیار جدی بود و در عین حال هم زتوف و مهربان بود. تقریبا هر کسی که با او مراده داشت را می‌شناخت. یکی از خصوصیات آقای آل‌هاشم این بود که کنشگری بود که با محیط تاثیرگذارش، آشنا بود. از روایط اطلاع داشت. می‌دانست فردی که به او مراجعه کرده یا او را دیده، چه‌کاره است و چه شغلی دارد. در شهر خانواده شهدا،

علی حامد حق دوست، عکاس خبری: ماجرای تجلیل از عکاس برگزیده در نماز جمعه

حاج آقای آل‌هاشم تازه به تبریز آمده بود. آن سال، اولین دوره اعطای نشان سال مطبوعات کشور بود که من هم اولین نشان عکاس مستند سال مطبوعات را گرفته بودم. همان موقع تلفنم زنگ خورد. شماره را نمی‌شناختم. فردی که پشت تلفن بود گفت: «آل‌هاشم هستم.» من یکه خوردم از اینکه امام جمعه تبریز و نماینده ولی‌فقیه به من زنگ زده بود. به هرحال نفر اول استان بود. زنگ زد و به من برای جایزه‌ام تبریک گفت. من هم تشکر کردم. تا حالا چنین برخوردی ندیده بودم. مسئولان قبلی حتی در روی آدم نگاه نمی‌کردند و بعضی‌هایشان حتی اخم‌شان هم درهم بود. پیش از این ماجرای تماس من یک برخورد دیگر با او داشتم. مسئول دفتر رئیس‌جمهور به استان سفر کرده بود و حاج آقای آل‌هاشم، در جمع ما عکاس‌ها و خبرنگارها آمده بود. با تک‌تک ما دست داد و اسم‌هایمان را پرسید. تعامل با آقای آل‌هاشم پس از ماجرای تماسش آغاز شد. من ظاهر مذهبی ندارم. شلوار جین می‌پوشم، سه‌تار

سیدحمید موسویان، مسئول رسانه دفتر حجت‌الاسلام آل‌هاشم: بارها تربیون نماز جمعه تبریز را به نوجوانان سپردند

شهید آل‌هاشم شخصیتی کم‌نظیر بود که با همه طیف‌ها و اقشار مختلف جامعه ارتباط گرم و صمیمی داشتند. از روحانیون گرفته تا هنرمندان، ورزشکاران، اصحاب فرهنگ و رسانه، دانشجویان، دانش‌آموزان و... ارتباط مستمر و البته دوطرفه داشت، یعنی هم حاج آقا می‌رفت به اماکن مختلف و هم فعالان عرصه‌های گوناگون استان می‌آمدند دفتر و با حاج آقا دیدار و گفت‌وگو می‌کردند. شهید آل‌هاشم همان‌طور که به مساجد، حوزه، دانشگاه و مدارس سر می‌زد به ورزشگاه، سینما و تئاتر هم می‌رفت. قطعا حوزه و دانشگاه رفتن یک روحانی ممکن است امری عادی و روزمره باشد ولی شاید ورزشگاه رفتن، سینما رفتن یا تئاتر دیدن همان روحانی به‌ویژه در جایگاه امامت جمعه باعث تعجب شود. همین حضورها در مجامع مختلف شهید آل‌هاشم با استقبال گسترده مردم روبه‌رو می‌شد چون این حضورها بدون تشریفات بی‌تکلف و صمیمانه بود. همچنین به تأیید و تشویق بزرگان زیادی رسیده بود. زنده‌یاد آیت‌الله یزدی که ورزشگاه رفتن حاج آقا در دیدار تراکتور و استقلال را شنید؛ این‌کار را به دانشگاه رفتن شهید مطهری تعبیر و تشبیه کرد. البته این ورزشگاه رفتن منحصر به ورزش یا تیم خاصی هم نبود. حجت‌الاسلام آل‌هاشم همان‌گونه که چند بار با حضور در ورزشگاه یادگار امام تبریز بازی تراکتور را از نزدیک تماشا کرد، احیای تیم ریشه‌دار اما منحل‌شده ماشین‌سازی را از رئیس فدراسیون مطالبه می‌کرد. چند بازی تیم فوتسال مس

الله‌وردی دهقانی، نماینده ورزشقان: برای کارهای عمرانی و آبادی جلودار بود

باشند. چه در نمازجمعه و چه در بیت و دفترش همه برای او از منظر حرمت یکسان بود. با نمایندگان استان هم تعامل ویژه‌ای داشت و هر وقت نمایندگان به سراغش می‌رفتند و نیاز به مشورت داشتیم، با روی گشاده استقبال و همکاری و راهنمایی می‌کرد، حتی مسائل و سولاتی اگر میان نمایندگان مجلس و مسئولان دولتی پیش می‌آمد، پیگیری و راهنمایی می‌کرد. در جلسات میان نمایندگان مجلس

علما، ریش‌سفیدان، شاعران، جوانان، اصحاب رسانه و هیات‌داران را می‌شناخت و به همه لطف و مهربانی داشت و محبتش را جدا نمی‌کرد. با همان سبک و سیاقی که از رهبر معظم انقلاب الهام گرفته بود، خودش را پادر همه می‌دانست و سعی می‌کرد که همه تفکرات را زیر پروبال خود جمع کند و به همه محبت کند. خونگرم بود. با مردم زیست می‌کرد و مردمی بود. دسترسی به او راحت بود.

بنده با حاج آقای آل‌هاشم روابط بسیار نزدیکی داشتم. یعنی با او مانوس بودم. هر هفته که به تبریز می‌رفتم، سعی می‌کردم حتما خدمت او برسم. سعی داشتم همیشه و مدام محضر او برسم تا گزارش کار بدهم یا مثلا درباره امور از او مشورت بگیرم. فکر می‌کنم می‌توانم از شخصیت او، الگوهای بسیاری بگیرم. فکر می‌کنم یکی از آنها بزرگ منشی و توجه به مردم بود. یعنی مردم را باید واقعی ببینم و کنار مردم باشم. همان‌طور که هستند، همان‌گونه مردم

تصویر نیز گریه می‌کرد. یکی از کاربران فضای مجازی با انتشار تصویری از این موقعیت تراژیک نوشته بود: «یک فریم از وضعیت مردم تبریز. خبرنگار گریه می‌کرد. فیلمبردار گریه می‌کرد. مصاحبه‌شونده گریه می‌کرد. زمین و آسمون هم.»

آن‌گونه که شهروندان تبریزی و مسئولان آذربایجان شرقی از حجت‌الاسلام آل‌هاشم روایت می‌کنند؛ ظاهرا او شخصیتی منحصربه‌فرد بود. آنچه که او را محبوب مردم کرده بود و جلال‌در شهادتش، لحظه‌های دراماتیکی از سوی تبریزی‌ها خلق کرده، چهره مردمی و ارتباط نزدیک با مردم تبریز بود. حجت‌الاسلام آل‌هاشم، امام جمعه‌ای بود که زده‌های جداکننده مسئولان از مردم را در مصلی نمازجمعه تبریز جمع کرد. البته که این رفتارها به نوعی از الزامات یک امام جمعه مردمی است اما کمتر امام جمعه‌ای بود که به چنین رفتارها و کارهایی توجه می‌کرد و همین امر حجت‌الاسلام آل‌هاشم را نه‌تنها در تبریز و آذربایجان شرقی بلکه در کل ایران معروف و محبوب کرده بود. حجت‌الاسلام آل‌هاشم برای دورشدن هواداران تیم تراکتور از سیاست‌زدگی

و رفتارهای افراطی و حساسیت‌های امنیتی ایستادگی کرد و با حضور در بازی‌های تراکتور، خود را به‌عنوان امام جمعه‌ای فوتبالی معرفی کرد. علی‌رغم اینکه پدر حجت‌الاسلام آل‌هاشم، آیت‌الله بنام و بزرگی بود اما او در وصف پسرش گفته بود که پسرم از من اعلم‌تر است. ظاهرا حجت‌الاسلام آل‌هاشم در آخرین منبر خود به مردمی که پای منبرش حضور داشتند، توصیه کرده بود تا به تماشای فیلم «آپاراتچی» بروند. تمام این مولفه‌ها در کنار هم از او چهره و کاراکتری خارق‌العاده با خط مشی و شخصیتی متفاوت از سایر روحانیون و امام جمعه‌ها ساخته بود تا جایی‌که همین محبوبیت او بود که رکورد رای ادوار خبرنگان آذربایجان شرقی توسط حجت‌الاسلام آل‌هاشم شکسته شد. شاید به جرات بتوان گفت که سوگ شهادت این امام جمعه در دل تبریزی‌ها، حالاحالاها التیام نخواهد یافت.

با دوتن از نمایندگان تبریز و ورزشقان، شجاع خلیل‌زاده کاپیتان تیم تراکتور، مسئول رسانه دفتر حجت‌الاسلام آل‌هاشم و یکی از عکاسان خبری تبریز درباره شخصیت امام جمعه مردمی این شهر به گفت‌وگو نشستیم.

را دوست داشته باشیم. آخرین دیدارم با حاج آقای آل‌هاشم، دو روز پیش از شهادتش در نمازجمعه بود. من تا ساعت‌ها پس از نمازجمعه میان مراجعان و مردم بودم. نزدیک‌های ساعت ۳ بعدازظهر بود که از نمازجمعه بیرون آمدم. با یکی از دوستان به سمت دفترم راه افتادم که در میان مسیر گفتم دیداری با حاج آقای آل‌هاشم تجدید کنیم. احتمال دادم که در آن ساعت، آقای آل‌هاشم درحال استراحت باشد. در خانه‌شان را زدید. حاج آقا در منزل حضور داشتند. کاملا با روی گشاده و شوخ‌طبعی استقبال کردند. با دوستی که همراهم بود کمی شوخی کرد. با حاج آقای آل‌هاشم عکس یادگاری گرفتیم. به حاج آقا گفتم که شروع مجلس جدید خبرنگان و مجلس شورای اسلامی همزمان خواهد بود. به او گفتم که قبل از شروع مجلس جدید، این عکس را در فضای مجازی قرار می‌دهم. این عکس هنوز در آلبوم گوشی من مانده است و دیگر معلوم نیست حالا‌در نبود حاج آقای آل‌هاشم، چه زمانی پست شود.

کرده بود. باورش نمی‌شد که امام جمعه شهر با یک عکاس منتقد تماس بگیرد. اینها را خود حجت‌الاسلام آل‌هاشم برابم نقل می‌کرد.

همان موقع‌ها من از مذبوریقت ارشاد استان گلایه کرده بودم که کارها و وظیفه شما را امام جمعه پیگیری می‌کند. من ۱۱ سال بدون بیمه کار کرده بودم. همان موقع حاج آقا با مدیرکل ارشاد تماس گرفت تا بیمه‌ام حل شود. هرچند یک‌سال پس از پیگیری من من بیمه شدم اما آغاز ماجرای پیگیری برای بیمه شدنم پس از ۱۱ سال کار خبری، با حاج آقا آل‌هاشم بود. حاج آقا حتی پیگیر کارهای قراردادم در رسانه هم بود. حتی خودش نامه دست‌نوشته به مسئولان کشوری برای پیگیری کارهایم می‌نوشت. این کارها را حاج آقای آل‌هاشم در حقم انجام داده بود. البته با سایر رفقا و دوستان رسانه‌ای هم ارتباط داشت که اخبار و روایت‌هایش بین ما می‌پیچید.

سوتیون را از نزدیک تماشا کرد. در برنامه‌های ورزش‌های پهلوانی و زورخانه‌ای شرکت کرد.

از مسابقات والیبال، کشتی و تکواندو بازدید داشت و با بسکتبالیست‌ها هم دیدار داشت. شهید آل‌هاشم بارها با خرید بلیت در سالن سینما و تئاتر حاضر شد. از پشت صحنه چند فیلم و سریال بازدید داشت، حتی چند مشکل هم در این بازدید با سفارش حاج‌آقا حل شد. فیلم‌ها و تئاترهایی که امام جمعه شهید تبریز از بدو حضور در تبریز در سینماها و سالن‌های تئاتر تماشا کرد یا از پشت صحنه‌شان بازدید داشت؛ فیلم‌هایی از: «فیلم به وقت شام، فیلم موقعیت مهدی، سریال جلال روایتی از مبارزات انقلابی منتهی به قیام ۲۹ بهمن تبریز در ۵۶، فیلم منطقه پرواز ممنوع، فیلم غریب، فیلم منصور، تئاتر تکه‌های سنگین سرب روایتی از زندگی شهید چمران، تئاتر گوش‌هایم را بشنو روایتی از زندگی جانبازان اعصاب و روان، تئاتر سرد سرخ تبریز روایتی از نقه‌الاسلام و برخی از شهدای مشروطه‌خواه تبریز، نمایش اشک، عشق، مشک روایتی از نهضت عاشورا و شب تاسوعا تا خرابه شام به کارگردانی محمد روشنی و چند نمایش مذهبی در ایام فاطمیه و محرم که در حد سرزدن حضور داشتند.» این سرمایه اجتماعی که این روزها در تبریز و استان آذربایجان شرقی برای انقلاب دیده می‌شود در سایه زحمت‌های شبانه و همین رفت و آمد‌های متعدد و مستمر شهید آل‌هاشم هست. زنده‌یاد حجت‌الاسلام آل‌هاشم اعتقاد داشت که روحانی باید از بدو تولد و اذان هنگام تولد

شجاع خلیل‌زاده: عاشق تراکتور بود

برای کسی که آقای آل‌هاشم رانمی‌شناسد، باید بگویم که او یک هوادار واقعی و پروراقص تراکتور بود. یکبار او را دیده‌ام. انسان بسیار خوبی بود. بسیار هم فوتبالی و عاشق مردم تبریز بود. از وقتی خبر شهادتش را شنیدم، ناراحت شدم. نسبت به جایگاهی که داشت، انسان خاکی بود. یک‌بار هم در ورزشگاه حضور پیدا کردند و به هرحال می‌دانستم که عاشق تراکتور بود.



فرهنگ‌نخبگان

فرهنگ‌روز



چهارشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۳



شماره ۴۱۴۴



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

